

Criteria for Distinguishing Illicit Relationship from Acts Contrary to Chastity in Islamic Fiqh and Law

Mohammad Hassani¹ and Hassan Shahmalekpour²

1. *Corresponding Author*, M.A. in Criminal Law and Criminology, University of Guilan, Rasht, Iran.
Email: mohamadhassani082@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Law, University of Guilan, Rasht, Iran. Email: h.shahmalekpour@guilan.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received
11 August 2023
Received in revised form
12 October 2023
Accepted
23 October 2023
Available online
22 December 2025

Keywords:

illicit relationship,
chastity,
acts contrary to chastity

ABSTRACT

An illicit relationship refers to relations between a man and a woman who are not married to each other and who have no physical contact, such as conversation or correspondence. An act contrary to chastity refers to bodily contact between unrelated persons that does not amount to intercourse, such as kissing or lying together. The central questions are whether illicit relationship and acts contrary to chastity are identical, and whether the offenses under Article 637 of the Islamic Penal Code require proof of specific intent. This descriptive-analytical study examines statutes, judicial decisions, and legal scholarship to identify criteria separating the two offenses. The findings show that illicit relationship and acts contrary to chastity are independent criminal titles whose relation is one of partial overlap. Lying together does not require proof of specific sexual intent, but in other cases, including kissing and all instances of illicit relationship, intent to obtain sexual pleasure must be established. Precise distinction between these titles prevents erroneous interpretation and improves accuracy and justice in criminal adjudication.

Cite this article: Hassani, M., & Shahmalekpour, H. (1404). Criteria for Distinguishing Illicit Relationship from Acts Contrary to Chastity in Islamic Fiqh and Law. *Studies of Islamic Jurisprudence and Basis of Law*, 20(2), 151-178. <https://doi.org/10.22034/fvh.2023.16670.1813>



© Author(s) retain the copyright. Publisher: Al-Mustafa International University.
DOI: <https://doi.org/10.22034/fvh.2023.16670.1813>

Introduction

Iranian criminal law uses the titles illicit relationship and acts contrary to chastity, but courts have sometimes treated them as the same. Illicit relationship concerns non-physical relations between a man and woman without a marital bond, such as communication or correspondence. Acts contrary to chastity involve bodily contact that falls short of intercourse. The article seeks to clarify whether the two titles are identical and whether Article 637 requires proof of specific intent.

Methodology

The study uses a descriptive-analytical method. It examines legal texts, judicial opinions, and the views of legal scholars in order to identify the criteria that distinguish these two criminal titles.

Literature Review

No prior study has directly addressed the precise criteria for distinguishing illicit relationship from acts contrary to chastity from the perspective of Islamic fiqh and law. Related writings have discussed Article 637, virtual illicit relationships, and crimes against chastity, but they have either treated the two titles as synonyms, considered their relation as absolute generality and specificity, or failed to analyze the requirement of specific intent.

Findings

The results show that illicit relationship and acts contrary to chastity are two independent offenses. Their relation is partial overlap, not identity or absolute inclusion. In the case of lying together, proof of specific sexual intent is not required. In other examples of acts contrary to chastity, including kissing, and in all examples of illicit relationship, the court must establish intent to obtain sexual pleasure.

Discussion

The article provides comprehensive definitions and examples of each offense and emphasizes that courts should not apply a single approach to both. It also clarifies that the debate over specific intent belongs to the mental element of the offense, not to the material element. Treating all cases as absolute crimes without regard to specific intent risks over-criminalization and inconsistent judgments.

Conclusion

A precise legal and fiqh distinction between illicit relationship and acts contrary to chastity prevents erroneous interpretation and the uniform treatment of different offenses. This distinction enhances accuracy, fairness,

and justice in criminal proceedings and provides clearer guidance for courts applying Article 637.

Declarations

Author Contributions: The main content was prepared by Mohammad Hassani as first and corresponding author. Hassan Shahmalekpour contributed through suggestions, evaluative comments, and review during the development of the article.

Data Availability Statement: Not applicable.

Acknowledgements: The author expressed sincere thanks to teachers and colleagues whose insights and feedback helped refine the research.

Ethical Considerations: The authors observed ethical principles in conducting and publishing the research.

Funding: This research received no specific grant from public, commercial, or not-for-profit funding bodies.

Conflict of Interest: The author declared no conflict of interest.

Declaration on Generative AI and AI-assisted Technologies: No artificial intelligence was used in drafting the main content, although AI was used for editing and familiarity with specialized legal terminology.



بررسی معیارهای تشخیص رابطه نامشروع از عمل منافی عفت از منظر فقه و حقوق اسلامی

محمد حسنی^۱ و حسن شاه‌ملک‌پور^۲

۱. نویسنده مسؤل، کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: mohamadhassani082@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. رایانامه: h.shahmalekpour@guilan.ac.ir

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۰۱

چکیده

رابطه نامشروع عبارت است از: رابطه زن و مردی که میان آن‌ها علقه زوجیت وجود ندارد و هیچ تماس فیزیکی بین آن‌ها برقرار نشده باشد، از قبیل مکالمه و مکاتبه. عمل منافی عفت نیز عبارت است از هرگونه تماس بدنی میان زن و مرد نامحرم مشروط بر اینکه به حد موافقه نرسد، از قبیل تقبیل و مضاجعه. اما سؤال اساسی آن است که آیا رابطه نامشروع همان عمل منافی عفت است یا خیر؟ همچنین آیا عمل منافی عفت و رابطه نامشروع مندرج در ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت مستلزم اثبات سوءنیت خاص می‌باشد یا خیر؟ این پژوهش با هدف بیان معیارها و ملاک‌هایی برای تشخیص این دو عنوان مجرمانه از یکدیگر و، به تبع آن، برای جلوگیری از نگاه یکسان محکمه به این دو عنوان نگارش شده است. پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و با مطالعه متون قانونی، آرای قضایی و دیدگاه‌های حقوق‌دانان، معیارها و ملاک‌های تفکیک این دو عنوان کیفری بررسی گردیده است. نتایج نشان می‌دهد که «رابطه نامشروع» و «عمل منافی عفت» دو عنوان مجرمانه مستقل هستند و رابطه میان آن‌ها از نوع عموم و خصوص من وجه است. در مورد «مضاجعه» نیازی به اثبات سوءنیت خاص وجود ندارد، اما در سایر مصادیق عمل منافی عفت، از جمله «تقبیل» و نیز در تمامی مصادیق رابطه نامشروع، احراز قصد التذاذ جنسی ضروری است. تمایز دقیقی میان رابطه نامشروع و عمل منافی عفت از منظر قانونی و فقهی موجب جلوگیری از تفسیرهای نادرست و نگاه یکسان محاکم به این دو عنوان می‌شود و در نتیجه، دقت و عدالت در فرایند دادرسی کیفری را ارتقا می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها:

رابطه نامشروع، عفت، منافی عفت

استناد: حسنی، محمد؛ و شاه‌ملک‌پور، حسن. (۱۴۰۴). بررسی معیارهای تشخیص رابطه نامشروع از عمل منافی عفت از منظر فقه و حقوق اسلامی. مطالعات فقه اسلامی و مباحث حقوق، ۲۰(۲)، ۱۵۱-۱۷۸. <https://doi.org/10.22034/FVH.2023.17246.1853>



مقدمه

مقنن با توجه به مبانی و مستندات فقهی، با هدف جلوگیری از روابط نامشروع و عمل منافی عفت با تصویب ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت درصدد این بوده است که عرصه را بر مجرمان ببندد و در این زمینه اگرچه وضع ماده فوق یکی از دستاوردهای قابل تقدیر قانون‌گذار در راستای جلوگیری از گسترش روابط نامشروع و اعمال منافی عفت در جامعه می‌باشد، اما متأسفانه، به دلیل ابهام‌های فراوان، دکترین حقوقی و قضات تفاسیر گوناگونی از این مقررۀ قانون‌گذار داشته‌اند. از طرفی عده‌ای بر این باورند که ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی، اطلاق دارد و مشمول زن و مرد نامحرمی می‌شود که در کنار یکدیگر راه می‌روند یا در گوشه‌ای خلوت می‌کنند. به‌عنوان مثال در نظریه مشورتی ۷/۳۴۹۲ مورخ ۸۸/۶/۸ چنین آمده است: «ارتباط تلفنی از مصادیق رابطه نامشروع محسوب شده و طبق قانون مجازات قابل پیگرد است.» غالب قضات نیز ارتباط‌های عاشقانه در فضای مجازی و از طریق تلفن و پیامک بین زن و مرد نامحرم را از مصادیق رابطه نامشروع دانسته‌اند. از طرفی در نظریه شماره ۷/۹۳۷ - ۱۳۹۲/۵/۲۳، اداره حقوقی قوه قضاییه قائل است که «صرف در خلوت بودن با نامحرم در قانون جرم شناخته نشده است؛ اعم از آنکه در منزل یا داخل وسیله نقلیه یا هر جای دیگری باشد»، زیرا به‌موجب این ماده رابطه نامشروع و یا عمل منافی عفت را، از قبیل تقبیل یا مضاجعه، مثال زده است. بنابراین پرسش‌های مورد بررسی در این پژوهش بدین شرح است: آیا رابطه نامشروع همان عمل منافی عفت است یا نه؟ آیا عمل منافی عفت و رابطه نامشروع مندرج در ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت مستلزم اثبات سوءنیت خاص است یا نه؟ فرضیات پژوهش عبارت است از:

۱. رابطه نامشروع و عمل منافی عفت مندرج در ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت دو عنوان مجرمانه مستقل هستند که علی‌رغم اشتراکاتی که با هم دارند، از یکدیگر متمایزند.
۲. با توجه به روایات وارده، صرفاً عمل مضاجعه به‌دلیل عریان بودن بر التذاذ جنسی دلالت دارد؛ و در باقی مصادیق عمل منافی عفت مادون زنا و تمام مصادیق رابطه نامشروع باید قصد التذاذ جنسی توسط محکمه احراز گردد.

از آنجاکه مقنن عبارت رابطه نامشروع و عمل منافی عفت را تعریف نکرده است، و در منابع فقهی نیز صرفاً به ذکر مصادیق آن اکتفا شده است، این موضوع سبب تفاسیر قضایی مختلف و متعاقباً منجر به آرای متناقض و متعارض در موضوعات مشابه توسط قضات شده است. بنابراین پاسخ به پرسش‌های فوق می‌تواند تا حد زیادی برای سیستم قضایی راه‌گشا باشد. به همین منظور در این تحقیق، پژوهشگر در تلاش است با بررسی منابع فقهی، حقوقی و روبه قضایی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد توصیفی، تحلیلی و انتقادی، ضابطه‌ای روشن و دقیق ارائه کند و بدین وسیله محاکم قضایی را، جهت تشخیص این دو عنوان مجرمانه، رهنمود سازد تا از این رهگذر، سازوکار مناسب برای عادلانه‌تر شدن هرچه بیشتر سیستم قضایی فراهم شود. با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، موضوع پژوهش «بررسی معیارهای تشخیص رابطه نامشروع از عمل منافی عفت از منظر فقه و حقوق اسلامی» دارای پیشینه نبوده است؛ اما مقالاتی مرتبط در این زمینه نگارش شده است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

صادق نژاد نائینی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ابهامات و چالش‌های ماده ۶۳۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ در مرحله صدور حکم و اجرای مجازات در پرتو عملکرد محاکم کیفری»، ضمن تعریف عمل منافی عفت و رابطه نامشروع، معتقد به دو عنوان مجرمانه مستقل است، اما مصادیق این دو عنوان مجرمانه را به‌درستی و به‌طور جامع نگارش نکرده است. افزون بر این، تعریف ایشان از رابطه نامشروع، همان‌طور که در صفحه ۶۰ نگارش شده، با تعریفی که در نتیجه‌گیری بیان کرده‌اند، هم‌خوانی ندارد. همچنین در مقاله فوق، هیچ اشاره‌ای مبنی بر لزوم اثبات سوءنیت خاص در رابطه نامشروع نشده است.

قیاسی و سقفی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «نحوه عملکرد رویه قضایی در رویارویی با محتوای مجرمانه؛ با نگاهی به اصطلاح رابطه نامشروع مجازی» رابطه نامشروع مجازی را مورد بحث قرار داده‌اند. ایراد اساسی این پژوهش آن است که عمل منافی عفت و رابطه نامشروع را مترادف یکدیگر می‌داند.

نصیری و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «مهم‌ترین ضوابط و معیارها در شناسایی جرایم منافی عفت در حقوق کیفری ایران» ضمن تعریف عمل منافی عفت و رابطه نامشروع، رابطه بین این دو عنوان را عموم و خصوص مطلق می‌دانند و معتقدند در تمام مصادیق عمل منافی عفت، حتی معانقه و تقبیل، قصد التذاذ جنسی در خود عمل نهفته است و احراز آن توسط محکمه لازم نیست. درحالی‌که پژوهش حاضر، برخلاف پژوهش فوق، رابطه بین عمل منافی عفت و رابطه نامشروع را عموم و خصوص من‌وجه می‌داند. همچنین نگارنده معتقد است که رابطه نامشروع و عمل منافی عفت (به غیر از مضاجعه) در صورتی مشمول ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت قرار می‌گیرد که قصد التذاذ جنسی توسط محکمه به اثبات برسد.

قدسی و پورزین در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی» معتقدند در رابطه نامشروع، اگرچه غیرقابل تحقق است. همچنین ایشان قائل‌اند که از آنجاکه رابطه نامشروع و عمل منافی عفت جرمی مطلق است، نیاز به اثبات سوءنیت خاص نیست. این سخن ناتمام است؛ زیرا اساساً سوءنیت خاص مربوط به عنصر روانی است نه عنصر مادی.

مفهوم‌شناسی

مفهوم عمل منافی عفت

به گفته ابن‌منظور، عفت یعنی «احتراز از آنچه نیکو و پسندیده نیست؛ احتراز از محرّمات و خویش‌داری از طعمه‌های پست» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج. ۹، ص. ۲۵۳). منافی در لغت، به‌معنای طردکننده و نیست‌کننده، آمده است. (معین، ۱۳۸۸، ج. ۴، ص. ۴۳۷۳) عمل منافی عفت یعنی: هرچیزی که نقطه مقابل عفت باشد یا، به عبارت بهتر، عمل منافی عفت به‌معنای کار ناسازگار با پاکدامنی است. (صدری افشار، ۱۳۸۲، ج. ۲، ص. ۷۰۰) عمل منافی عفت دو معنای خاص و عام دارد. معنای خاص آن عبارت است از: ارتباط فیزیکی و جسمی زن و مردی که رابطه زوجیت ندارند که اگر به حد مواقعه برسد مشمول فصل حدود و اگر به حد مواقعه نرسد، در بخش تعزیرات و ذیل ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت قرار می‌گیرد (شامبیاتی، ۱۳۸۵، ج. ۳، ص. ۴۶۷). اما معنای عام عمل منافی عفت عبارت است از: هر عملی که برحسب عرف و احساسات عمومی شرم‌آور باشد و

عفت عمومی را لکه‌دار کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ج. ۴، ص. ۲۵۵۲). در این تعریف صرفاً اعمال جنسی ملاک قرار نمی‌گیرند، بلکه اعمالی را که در محوریت مسائل جنسی و یا زمینه‌ساز جرایم جنسی هستند، نیز باید عمل منافی عفت تلقی کرد (بیگی و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۷). به‌عنوان مثال، برپا کردن پارتی‌ها و کلاب‌های شبانه مختلط، تجارت و توزیع عکس‌های خلاف عفت عمومی، تشویق به فحشا و هر رفتاری که عفت عمومی را لکه‌دار کند را نیز می‌توان عمل منافی عفت عنوان کرد. در یک تعریف جامع و مانع، جرایم منافی عفت عبارت است از:

هرگونه رابطه یا رفتار جنسی یا فعالیت مجرمانه با محوریت مسائل جنسی خارج از حدودمرزهای شده در جامعه که حیثیت، اعتبار و آبروی فردی و خانوادگی متعارف و ارزش‌های پذیرفته‌شده و جامعه و به‌طور کلی عفت عمومی را در معرض خطر قرار می‌دهد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳؛ بیگی و همکاران، ۱۳۹۲)

طبق این تعریف، جرائم منافی عفت صرفاً محدود به رابطه دو جنس مخالف نیست، بلکه در مواردی این جرم ناشی از روابط دو جنس موافق نیز است؛ نظیر لواط و مساحقه. از سوی دیگر، در برخی از مصادیق جرائم منافی عفت، لزومی به برقراری رابطه فیزیکی نیست؛ زیرا جرائمی نظیر دایرکردن مراکز فساد و فحشا یا استفاده از صور قبیحه، فعالیت مجرمانه بر محوریت مسائل جنسی استوار است، نه صرف ارتباط جنسی (بیگی و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین تعریف فوق یک تعریف عام از جرایم منافی عفت است که علاوه بر امور جنسی، امور غیر جنسی را نیز در برمی‌گیرد. از آنجاکه محور اساسی این پژوهش رابطه نامشروع و عمل منافی عفت موضوع ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت است، بدیهی است که معنای خاص این دو عنوان مد نظر است؛ اما به‌طور مختصر مصادیق معنای عام این دو عنوان مجرمانه نیز مورد بحث قرار گرفته‌اند.

مفهوم رابطه نامشروع

نامشروع یعنی رفتاری که خلاف قوانین شرع باشد. (انوری، ۱۳۸۸، ج. ۲، ص. ۲۳۹۷) معنای لغوی مشروع، «آنچه مطابق شرع باشد و شرع آن را روا و جایز بداند» است. (معین، ۱۳۸۸، ج. ۳، ص. ۴۱۴۴) رابطه نامشروع نیز شامل دو معنای عام و خاص است. معنای عام رابطه نامشروع عبارت است از: هر فعل حرامی که بین دو انسان واقع گردد و مورد قبول شرع نباشد. به این ترتیب، مفهومی که به‌طور عام از اصطلاح مذکور می‌توان استنباط کرد، شامل برقراری هرگونه رابطه بین دو انسان است که از لحاظ شرع منع شده باشد. به‌عنوان مثال، ارتباط دو شخص جهت ارتکاب ارتشا یا جاسوسی، رابطه نامشروع در معنای عام است. (بقره: ۱۸۸؛ حجرات: ۲۱۲) به همین منظور، می‌توان گفت کسانی که در زندگی دیگران تجسس و اقدام به هتک حیثیت و افشای

۱. «وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُّوهُا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْأَثَمِ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» معنای آیه: اموال یکدیگر را میان خود به ناحق مخورید و آن را به قصد رشوه به قاضیان ندهید....

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ أَثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا يَجِبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أُخِيهِ مِيتًا فَكَرِهَتْهُمُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» معنای آیه: ای مسلمانان، از بسیاری از گمان‌ها پرهیز کنید؛ چراکه بعضی از گمان‌ها موجب افتادن در گناه است و در اسرار و عیوب دیگران تجسس نکنید....

آبروی دیگران می‌کنند و همچنین کسانی که مبادرت به جرم ارتشا یا معاونت در این جرم می‌ورزند، به استناد این دو آیه شریفه، رابطه نامشروع در معنای عام آن را مرتکب می‌شوند؛ زیرا ارتکاب این گونه رفتارها مورد نهی و غضب شارع مقدس است. به معنای خاص، رابطه نامشروع عبارت است از: هرگونه رابطه دوطرفه میان مرد و زن نامحرم به قصد التذاذ جنسی و بدون هرگونه تماس جسمی و فیزیکی (زراعت، ۱۳۸۸، ج. ۲، ص. ۴۲۴؛ شامبیاتی، ۱۳۸۵، ج. ۳، ص. ۵۴۴). رابطه نامشروع مد نظر در این پژوهش رابطه طرفینی است بین زن و مردی که میان آنان هیچ علقه زوجیت وجود ندارد و با وجود این با یکدیگر رابطه برقرار کنند و این رابطه از نظر شرعی و قانونی جایز نباشد و هیچ‌گونه تماس جسمی نیز برقرار نشود.

تحلیل رابطه نامشروع و عمل منافی عفت ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت

قانون‌گذار در ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) چنین مقرر می‌دارد: «هرگاه زن و مردی، که بین آن‌ها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا مانند تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد، فقط اکراه‌کننده تعزیر می‌شود.» از منطوق ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت مصوب سال ۱۳۷۵ این نتیجه حاصل می‌شود که رابطه نامشروع عبارت است از: «هرگونه ارتباط طرفینی میان مرد و زن نامحرم به قصد التذاذ جنسی که فاقد هرگونه تماس جنسی باشد.» با توجه به تعریف فوق، ذکر پنج نکته مهم برای تحقق رابطه نامشروع حائز اهمیت است. نخست، از آنجاکه رابطه نامشروع یک ارتباط طرفینی است، خارج از تصور و تفکر است که با عفت و اکراه محقق شود. هرچند غیرممکن نیست. دوم، این جرم صرفاً میان افرادی که فاقد علقه زوجیت هستند، قابل تحقق است؛ بنابراین زوجین را در بر نمی‌گیرد. سوم، حتماً باید با قصد التذاذ جنسی باشد یا همراه با قرائن و نشانه‌هایی باشد که برای محکمه ثابت کند که طرفین به دنبال التذاذ جنسی هستند. چهارم، ارتباط نامشروع باید فاقد تماس فیزیکی و جسمانی باشد. پنجم، هیچ قیدی مبنی بر اینکه طرفین باید مجرد باشند در ماده وجود ندارد، لذا رابطه نامشروع مشمول متأهلین نیز می‌شود.

از آنجاکه مقنن در ماده فوق در کنار رابطه نامشروع از عبارت عمل منافی عفت نیز بهره برده است، عمل منافی عفت غیر از زنا را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «هرگونه تماس فیزیکی مرد و زن نامحرم به‌جز نزدیکی و دخول.» طبق تعریف فوق، شرط اصلی و مهم برای تحقق عمل منافی عفت موضوع ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت، رابطه فیزیکی و جسمی است، مشروط بر آنکه به دخول نینجامد؛ زیرا در غیر این صورت مشمول فصل حدود خواهد بود. نکته دیگری که ذکر آن حائز اهمیت است، واژه «عفت و اکراه» است که مشخص نیست فقط عمل منافی عفت را در بر می‌گیرد یا شامل رابطه نامشروع هم است. همان‌طور که در ادامه خواهد آمد، نگارنده معتقد است که رابطه نامشروع اکراهی غیرممکن نیست؛ اما با توجه به مصادیق آن، به ندرت اتفاق می‌افتد. بر فرض تحقق، در اینکه مگره فاقد مسئولیت کیفری باشد، تردید وجود دارد؛ زیرا اکراه باید غیرقابل تحمل باشد و هر اکراهی رافع مسئولیت کیفری نیست.

تمایز رابطه نامشروع و عمل منافی عفت ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت

پیش از این، در ماده ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲ فقط «عمل منافی عفت غیر از زنا» بیان شده بود و از «روابط نامشروع» ذکری به میان نیامده بود، اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ علاوه بر اعمال منافی عفت، روابط نامشروع نیز مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است. البته دو ایراد اساسی در ماده فوق به چشم می خورد. ایراد نخست، مجازاتی است که برای این دو جرم پیش بینی شده است؛ زیرا مجازات تا ۹۹ ضربه شلاق برای هر دو عنوان مجرمانه فوق ناعادلانه به نظر می رسد. این امر سبب می شود قاضی رسیدگی کننده نسبت به رابطه نامشروعی نظیر مکالمه ساده و عمل منافی عفتی نظیر مضاجعه نگاه یکسانی داشته باشد و از آنجاکه مجازات شلاق در زمره مجازات سنگین به شمار می رود، عادلانه نیست مجازات فردی را که صرفاً مکالمه ای جنسی داشته است، با مجازات تقبیل و مضاجعه همسان فرض کنیم.

اشکال دوم آن است که ماده فوق به صورت مطلق به کار رفته است. این ایراد در رابطه با مضاجعه قابل حل است؛ زیرا در عمل مضاجعه، همان طور که در روایات بیان شده است، عریان و برهنه بودن موضوعیت دارد (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۴۰) و همین عریان و برهنه بودن بر التذاذ جنسی دلالت دارد؛ از این رو نیازی به احراز قصد التذاذ جنسی نیست. اما به نظر می رسد در رابطه با سایر مصادیق عمل منافی عفت مانند تقبیل و معانقه، که در عرف برخی از مناطق ایران امری طبیعی و عادی به شمار می رود، و تمام مصادیق رابطه نامشروع از قبیل مکالمه و مکاتبه، حتماً باید قصد التذاذ جنسی توسط محکمه اثبات شود؛ در غیر این صورت دادگاه باید رأی بر براءت متهم بدهد. در این رابطه، قرائن و امارات می تواند کمک شایانی در جهت اثبات قصد التذاذ جنسی بکند.

به گفته یکی از حقوق دانان: «عمل منافی عفت عبارت است از عملی که از نظر اکثریت افراد ملت با اصول اخلاقی منافات دارد. عمل منافی عفت یک امر نسبی است که با سطح افکار و عقاید، اعتقادات، آداب و رسوم و اخلاقیات مردم هر جامعه ای رابطه مستقیم دارد. در نتیجه، ممکن است ارتکاب اعمالی مانند بوسیدن یا در آغوش کشیدن زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت قانونی موجود نیست، در بعضی نقاط مانند کشورهای اروپایی عمل منافی عفت تلقی نشود؛ در حالی که این اعمال در ایران عمل منافی عفت تلقی می شود.» (ولیدی، ۱۳۹۴، ص ۵۲)

بر اساس ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت و ۳۶۵ ق.آ.د.ک احتمال سه رابطه معنایی برای عمل منافی عفت و رابطه نامشروع وجود دارد:

احتمال اول: با توجه به حرف «یا»، عده ای معتقدند عبارت «از قبیل مضاجعه و تقبیل» هر دو به رابطه نامشروع و عمل منافی عفت بازمی گردد؛ زیرا حرف «یا» عطف بیان است. بنابراین، رابطه نامشروع و عمل منافی عفت مترادف یکدیگرند و هر دو بیانگر عمل جنسی و فیزیکی هستند؛ با این تفاوت که رابطه نامشروع به رابطه زن و مرد بالغ و عاقل بازمی گردد؛ اما عمل منافی عفت بیانگر روابط همجنس گرایان و تراجنسیتی ها است. (لطفی، ۱۳۸۷، ص ۶۷۲)

احتمال دوم: رابطه نامشروع و عمل منافی عفت همانند احتمال اول مترادف یکدیگرند، با این تفاوت که رابطه نامشروع نوعی از عمل منافی عفت است. بنابراین با عنایت به تبصره ماده ۳۰۶ ق.آ.د.ک می‌توان قائل شد که منظور از جرایم منافی عفت جرایمی هستند که در فصل حدود بیان شده‌اند؛ از قبیل زنا و لواط؛ و منظور از روابط نامشروع، جرایمی است که در ذیل ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت با عنوان تقبیل و مضاجعه آمده است (قیاسی و سقفی، ۱۴۰۰، ص. ۱۳۴). قبول این تفسیر اگرچه تفسیر مضیق به نفع متهم است و با قاعده ستر همپوشانی دارد؛ اما ما را با مشکل عدیده‌ای روبه‌رو می‌سازد و آن این است که اگر تقبیل و مضاجعه را صفت رابطه نامشروع بیان کنیم، باید مصادیق غیر فیزیکی، از قبیل مکالمه، مکاتبه و سایر روابط غیر فیزیکی که به قصد التذاذ جنسی صورت می‌گیرد، از شمول ماده خارج کنیم؛ امری که مورد منع شارع مقدس است.

احتمال سوم: برخلاف احتمال دوم که رابطه عمل منافی عفت و رابطه نامشروع را عموم و خصوص مطلق می‌داند، احتمال سومی نیز وجود دارد که قائل به عموم و خصوص من‌وجه است، نه عموم و خصوص مطلق. به عبارت بهتر، رابطه نامشروع و عمل منافی عفت در برخی مصادیق همپوشانی و اشتراک دارند؛ اما هرکدام دارای مصادیقی نیز هستند که اختصاص به خودشان دارد. از این‌رو، عبارت «از قبیل تقبیل و مضاجعه» صفت عمل منافی عفت است نه رابطه نامشروع. لذا مصادیق عمل منافی عفت مندرج در ماده فوق فیزیکی و جسمانی هستند و مصادیق رابطه نامشروع، غیر فیزیکی. اما مشکلی که در ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت وجود دارد، اطلاق این ماده است که ممکن است هر رابطه‌ای را، ولو اینکه به قصد التذاذ جنسی نباشد، رابطه نامشروع تلقی کند. این مشکل در عمل منافی عفت مضاجعه منتفی است؛ زیرا خود عمل مضاجعه بیانگر قصد التذاذ جنسی است. بهتر است قانون‌گذار ضمن تعریف این دو عنوان مجرمانه ذیل دو ماده مستقل، مصادیق و شرایط تحقق آن‌ها را بیان کند. با وجود این، از بین سه احتمال فوق، به عقیده نگارنده، احتمال سوم از استدلال قوی‌تری برخوردار است.

به عقیده نگارنده، ابتدا برای درک درست و تفکیک دقیق عمل منافی عفت و رابطه نامشروع مندرج در ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت، باید چند معیار مهم را مورد توجه قرار داد:

اولاً، ارتباط این دو عنوان عموم و خصوص من‌وجه است؛ یعنی از جهاتی وجه مشترک دارند و از جهاتی وجه افتراق؛ یا به عبارت دیگر، رابطه نامشروع از جهتی عام‌تر از عمل منافی عفت است و عمل منافی عفت هم از جهاتی عام‌تر از رابطه نامشروع است. به‌عنوان مثال، از حیث اراده و توافق طرفین، اعمال منافی عفت عام‌تر از رابطه نامشروع است؛ زیرا در عمل منافی عفت یک اراده هم برای تحقق جرم کافی است؛ به همین خاطر، اکراه و اجبار در آن سهل‌الوصول‌تر است؛ ولی در رابطه نامشروع غالباً اراده و رضایت دو طرف را می‌خواهد. پس محدودتر است. به همین جهت رابطه نامشروع از طریق اکراه و اجبار خارج از تصور و تفکر است. افزون بر این، از جهت نوع ارتباط می‌توان گفت که رابطه نامشروع عام‌تر از عمل منافی عفت است؛ زیرا در عمل منافی عفت یک عمل فیزیکی و یا تماس جنسی لحاظ شده است، در صورتی که در ارتباط نامشروع این عمل فیزیکی وجود ندارد و هر نوع ارتباطی را شامل می‌شود. به عبارت بهتر، برای عمل منافی عفت مصادیقی از جنس تقبیل و مضاجعه بیان شده است؛ به همین خاطر دامنه آن محدودتر است.

ثانیاً، رابطه نامشروع صرفاً تابع شرع است؛ چه بسا عملی در شرع منع شده باشد، ولی از لحاظ عرفی مورد قبول باشد. به عنوان مثال، در کشور ایران مکاتبه و یا خلوت کردن غیر ضروری دو نامحرم امری ناپسند است؛ زیرا شرع آن را مقبول نمی‌داند؛ اما چه بسا در عرف برخی از مناطق ایران یا جامعه دیگر امری عادی باشد. مثال دیگری که با جامعه فعلی ما در ارتباط است را می‌توان ورود زنان به استادیوم مسابقات ورزشی عنوان کرد. به نظر می‌رسد فقها، به دلیل تهییج و ممنوعیت اختلاط زنان و مردان، مخالف ورود زنان به استادیوم هستند. (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۸۰۵) در حالی که این امر در کشورهای دیگر از امور عادی و مقبول به شمار می‌رود. از این رو، چون در کشور ایران شارع آن را منع کرده است، این عمل رابطه نامشروع تلقی می‌شود. اما اگر هم شرع و هم عرف آن را مقبول ندانند، آن عمل منافی عفت خواهد باشد. بنابراین برای شمول ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت، یا باید عمل توسط شارع منع شده باشد (رابطه نامشروع) یا هم شرع و هم عرف آن را قبیح بدانند (عمل منافی عفت).

ثالثاً، جرم رابطه نامشروع در دسته جرایم مستمر قرار می‌گیرد و در یک لحظه صورت نمی‌گیرد؛ زیرا رفتار مجرمانه، از قبیل مکالمه و مکاتبه جنسی، تشکیل دهنده عنصر مادی مستمر در جریان وقوع است. (خالقی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۳) بنابراین رابطه نامشروع در طول زمان استمرار می‌یابد؛ به این صورت که پسر و دختری که رابطه زوجیت بینشان برقرار نیست، اگر ساعت‌ها به قصد التذاذ جنسی با یکدیگر خلوت کنند یا مسافرت کنند، فعل مجرمانه، که همان برقراری ارتباط نامشروع است، در یک مدت طولانی در حال استمرار است. اما جرم منافی عفت جرمی آنی است؛ زیرا عنصر مادی آن در یک لحظه واقع می‌شود. (گلدوزیان، ۱۳۸۹، ص ۸۹) به عبارت بهتر، به سبب آنکه عنصر مادی جرم منافی عفت، یعنی بوسیدن و هم‌بستر شدن، در یک لحظه واقع می‌گردد، در دسته جرایم آنی قرار می‌گیرد و به محض آنکه تماس فیزیکی صورت پذیرفت، جرم محقق می‌شود.

رابعاً، برخلاف تصور برخی که رابطه نامشروع اکراهی را از اساس غیرممکن می‌دانند (پورزرین و قدسی، ۱۳۸۴، ص ۱۶۹)، پژوهشگر بر این باور است که رابطه نامشروع نیز همانند عمل منافی عفت با اکراه قابل تحقق است؛ با این تفاوت که عمل منافی عفت اکراهی در مقایسه با رابطه نامشروع اکراهی سهل الوصول تر است. در این رابطه، نگارنده معتقد است قید «عنف و اکراه» در پایان ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت بر عمل منافی عفت دلالت دارد و نه بر رابطه نامشروع؛ اگرچه رابطه نامشروع اکراهی غیرممکن نیست و می‌توان حالتی را بیان کرد که یکی از طرفین با وجود فقدان رضایت با دیگری رابطه نامشروع برقرار می‌کند؛ اما این مسئله به سهولت امکان پذیر نیست؛ زیرا نفس رابطه بر رضایت طرفین دلالت دارد و خیلی سخت است که بتوان حالتی را بیان کرد که در آن یکی از طرفین به اکراه با دیگری مکالمه یا مکاتبه جنسی انجام می‌دهد. به عنوان مثال، اگر دختری بنا به سفارش دوست صمیمی خود، با وجود عدم رضایت باطنی، در حال مکالمه و مکاتبه نامشروع با نامزد او باشد تا به خیال خود با این کار خیانت او را ثابت کند، شاید بتوان گفت که وی فاقد رضایت به انجام این رابطه بوده است. اما با وجود این، حتی اگر این واقعیت را بپذیریم که ارتباط نامشروع اکراهی قابل تحقق است، قبول اینکه بتوان مکره را به واسطه اکراه از مجازات معاف کرد، با تردید جدی روبه‌روست؛ زیرا بنابر اصول

فقهی و حقوقی، اکراه باید غیرقابل تحمل باشد و همان‌طور که فقها در آثار ارزنده خود آورده‌اند، صرفاً اکراه ملجی^۱ رافع مسئولیت کیفری است، نه هر اکراهی (شیخ انصاری، ۱۴۱۱، ج. ۶، ص. ۲۳۷؛ محقق داماد، ۱۳۸۲، ج. ۴، ص. ۱۰۲). به عقیده نگارنده، به‌طور کلی اکراه در دو حالت قابل تصور است: حالت اول، یکی از طرفین با عتف و اکراه با دیگری عمل جنسی انجام دهد که به نظر می‌رسد این موضوع در رابطه با ارتباط نامشروع منتفی است. حالت دوم، شخص ثالثی، بدون اینکه در عمل جنسی دخالت داشته باشد، یکی از طرفین را اکراه به عمل جنسی کند. این حالت علاوه بر عمل منافی عفت، رابطه نامشروع را نیز در برمی‌گیرد، مشروط بر آنکه، همان‌طور که فقها خاطرنشان کرده‌اند، اکراه غیرقابل تحمل باشد. اما به نظر می‌رسد قانون‌گذار تفاوتی بین رابطه نامشروع اکراهی و عمل منافی عفت اکراهی قائل نبوده و درصدد تفکیک این دو حالت برنیامده است.

خامساً، این دو جرم ساده و مطلق هستند و در این زمینه وجه اشتراک دارند. به عبارت بهتر، این دو جرم از ترکیب چند فعل به وجود نمی‌آید؛ بنابراین مرکب نیستند. افزون بر این، نیاز به نتیجه خاصی ندارد؛ از این‌رو در دسته جرایم مقید به نتیجه قرار نمی‌گیرد.

بنابراین، همان‌طور که در بالا به این موضوع اشاره کردیم، این دو مصداق از یکدیگر قابل تفکیک هستند؛ به همین دلیل، قانون‌گذار از هر دو عنوان ذیل ماده ۶۳۷ بهره جسته است. در غیر این صورت، هیچ دلیلی نداشت که هر دو مورد را در ماده بگنجانند و از قانون‌گذار فهمیم این امر بعید به نظر می‌رسد که از ذکر دو عنوان، معنای واحدی را مدنظر داشته باشد.

بررسی فقهی ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت

از مهم‌ترین و اصلی‌ترین منابع فقهی که در خصوص موضوع مورد بحث می‌توان به آن اشاره کرد، نص قرآن کریم و سنت ائمه اطهار است. در کنار این دو منبع مهم، فتاوی فقها نیز، که خود خروجی و مستنبط از آیات و روایات است، در ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قرآن کریم

قرآن کریم صراحتاً در رابطه با حرمت و منع رابطه نامشروع و اعمال منافی عفت مادون زنا سخنی به میان نیاورده است؛ اما به نظر می‌رسد به‌طور غیرمستقیم بتوان حرمت این دو عمل مجرمانه را از آیات کریمه قرآن مجید استخراج کرد. در این رابطه، آیه ۱۵۱ سوره انعام از اهمیت بسزایی برخوردار است.

«وَلَا تَقْرَبُوا الْقَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (انعام: ۱۵۱) «و به کارهای زشت آشکار و نهان نزدیک نشوید.»

۱. در این نوع اکراه، شخص به تلف نفس یا قطع و یا نقص عضو تهدید می‌شود، حتی تهدید به ایراد ضرب منتهی به مرگ یا حبس به مدت طولانی نیز موجب بروز اکراه ملجی می‌شود. در این فرض شدت و خطری که مکره را تهدید می‌کند آن‌قدر زیاد است که حالتی نظیر اضطرار ایجاد می‌کند (محقق داماد، ۱۳۸۲، ج. ۴، ص. ۱۰۳).

برخی از مفسران قرآن کریم خاطرنشان کرده‌اند که عبارت «فواحش» جمع فاحشه است و به معنای کار بسیار زشت و شنیع است و خداوند در کلام خود، زنا و نسبت زنا به مردان و زنان پاکدامن را از مصادیق فاحشه شمرده و از ظاهر کلام الله، این گونه استنباط می‌شود که منظور از فاحشه ظاهری، گناه علنی و منظور از فاحشه باطنی، گناه سری و ارتباط نامشروع در پنهان است. همچنین فواحش به معنای گناهانی است که تنفرآمیز و شنیع است. (طباطبایی، بی تا، ج. ۷، ص. ۳۷۵) همچنین در آیه ۳۲ سوره احزاب آمده است که: «یا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ اِنْ اَتَقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (احزاب: ۳۲) «ای زنان پیامبر، اگر خود را از خشم خدا حفظ کنید، مانند هیچ‌یک از زنان دیگر نخواهید بود. بنابراین، هنگام صحبت با نامحرم، با ناز و عشوه سخن مگویید که مردانی که در دل‌هایشان بیماری است، به شما طمع می‌کنند و شایسته سخن بگویید.»

بدون شک این یک حکم عام است و تکیه آیات بر زنان پیامبر (ص) به عنوان تأکید بیشتر است، درست مثل اینکه به شخص دانشمندی بگوییم: «تو که دانشمندی، دروغ مگو.» مفهومش این نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است؛ منظور این است که یک مرد عالم باید به صورت مؤکدتر و جدی‌تری از این کار پرهیز کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج. ۱۷، ص. ۲۹۰).

سنت

مراد از سنت در فقه امامیه، گفتار، کردار و تقریر پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم شیعه (علیهم‌السلام) است. (مظفر، ۱۳۷۰، ج. ۲، ص. ۵۷)

از جمله روایاتی که به عمل منافی عفت مادون زنا اشاره دارند، روایت عبدالله بن سنان است که از امام صادق نقل می‌کند: از ابوعبدالله (ع) شنیده‌ام که فرمودند: «حد صد ضربه تازیانه است، مختص مرد و زن و یا دو مردی که زیر یک لحاف هم‌بستر شوند»^۱ (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج. ۲۸، ص. ۸۵). ابان بن عثمان نیز از امام صادق نقل می‌کند: ایشان فرمودند: «علی (ع) زن و مردی را زیر یک پوشش یافت، هرکدام را صد ضربه شلاق به جز یک ضربه مجازات کرد»^۲ (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج. ۲۸، ص. ۸۹).

از جمله روایاتی که می‌توان برای منع روابط نامشروع به آن‌ها استناد کرد، روایات ذیل هستند: امام علی (ع) فرموده‌اند: «هرکس با زن نامحرمی شوخی کند، گرفتار زنا خواهد شد و زناکار نیز جایگاهش آتش جهنم خواهد بود» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج. ۱۴، ص. ۲۷۳). پیامبر (ص) سخن گفتن زن‌ها را با غیر شوهر و غیر محرم بیشتر از پنج کلمه ممنوع کردند، مگر در موارد ضروری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج. ۱۰۰، ص. ۲۴۳؛ حرعاملی، ۱۴۱۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۷).

۱. وعنه، عن ابيه، عن ابن محبوب، عن عبدالله بن سنان، عن ابي عبدالله عليه السلام قال: سمعته يقول: حد الجلد في الزنا أن يوجد في لحاف واحد، والرجلان يوجدان في لحاف واحد، والمرأتان توجدان في لحاف واحد.

۲. وعنه، عن ابان بن عثمان، قال: قال ابو عبدالله عليه السلام: ان عليا عليه السلام وجد امرأة مع رجل في لحاف، فجلد كل واحد منهما مائة سوط غير سوط.

فتاوی فقها

بسیاری از فقها، خلوت با نامحرم را حرام دانسته و قائل به نهی مولوی هستند.^۱ این دسته از فقها بر این باورند که اگر مرد و زنی با یکدیگر خلوت نمایند به طوری که جزء ایشان کس دیگری در آنجا نباشد، مستحق تعزیر از جانب حاکم شرع می‌باشند (حلی، ۱۴۰۵، ص. ۵۵۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج. ۹، ص. ۳۲۵). شیخ طوسی قائل است که اگر فردی نامحرمی را ببوسد، یا به هر نحو از او لذت جنسی ببرد، حاکم شرع اختیار دارد که ایشان را به مقداری که به حد زنا نرسد تعزیر نماید (طوسی، ۱۳۸۷، ج. ۸، ص. ۶۶). ابن زهره معتقد است، اگر کسی مقدمات زنا و لواط نظیر تقبیل و مضاجعه را مرتکب شود از ۱۰ الی ۹۹ ضربه شلاق تعزیر خواهد شد (ابن زهره، ۱۴۱۷، ص. ۴۳۵).

عده‌ای از فقهای معاصر، معتقدند نهی از خلوت با نامحرم، نهی ارشادی^۲ است نه نهی مولوی (موسوی خویی، ۱۳۷۷، ج. ۱، ص. ۲۱۵). صاحب جواهر خلوت با نامحرم را مکروه می‌داند و قائل به نهی تنزیهی^۳ است (نجفی، ۱۳۶۸، ج. ۳۲، ص. ۳۴۴). ایشان در رابطه با تقبیل و مضاجعه به دو دسته از روایت استناد می‌کند که دسته اول قائل به صد ضربه شلاق و دسته دوم قائل به مجازات کمتر از حد زنا می‌باشد. اگرچه در احادیث صرفاً به مضاجعه اشاره شده است، اما ایشان حکم مسئله را به تقبیل و معانقه و هر تماس جنسی تعمیم داده‌اند (نجفی، ۱۳۶۸، ج. ۴۱، ص. ۲۸۹).

در رابطه با عمل مضاجعه، برخی فقهای معاصر، صرف اجتماع زیر لحاف را قبول نداشته و بیان می‌دارند که باید زن و مرد عریان و برهنه باشند؛ زیرا روایاتی که در این رابطه وارد شده است، مقید به تجرد (برهنگی) زن و مرد هستند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج. ۱، صص. ۲۴۰، ۲۴۲). از جمله این روایات، روایتی است که از حضرت علی نقل شده است.^۴ حسن این تحلیل آن است که اگر قائل شویم که مجازات عمل منافی عفت مادون زنا به تعبیر برخی روایات صد ضربه و به تعبیر برخی دیگر کمتر از صد ضربه باشد، صرفاً در رابطه با مضاجعه و آن هم مضاجعه‌ای که با برهنگی کامل همراه باشد قابل اعمال است؛ زیرا چنین مجازات سنگینی برای یک مکالمه ساده یا یک معانقه منطقی به نظر نمی‌رسد. همان‌طور که آیت‌الله فاضل بیان می‌دارند، روایات وارده، صرفاً اجتماع دو نفر زیر لحاف را مورد بحث قرار داده‌اند و نمی‌توان مجازات سنگین صد ضربه شلاق را بر معانقه، تقبیل و غیره بار نمود (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج. ۱، ص. ۲۴۳). به نظر نگارنده، به جز مضاجعه که صراحتاً در روایات از مجازات شلاق نام برده شده است و تعزیر منصوص شرعی است، بهتر است، برای جرایم خفیف‌تر از جمله تقبیل، معانقه، مکاتبه، از مجازات‌های دیگری بهره برد؛ زیرا با توجه به مقتضیات عصر امروز که زمینه و وسایل متنوع برای بازدارندگی وجود دارد چه بسا جنبه بازدارندگی و بازگشت به اجتماع از سوی فرد

۱. نهی مولوی: یعنی نهی شرعی که دلالت بر وجود مفسده نزد شارع مقدس است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۶، ج. ۲، ص. ۱۸۸).

۲. نهی ارشادی: یعنی نهی که دلالت دارد بر حکم وضعی شرعی یا حکم عقلی (محمدی، ۱۳۸۷، ج. ۴، ص. ۸۱).

۳. نهی تنزیهی: یعنی نهی که دلالت دارد بر نقصان ثواب عبادت، و طلب ترک غیرالزامی (محمدی، ۱۳۸۷، ص. ۳۲۹).

۴. عن علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ع وجده رجلین فی لحاف واحد مجردین جلدھما حد الزانی مائة جلدۃ کل واحد منھما- و كذلك المرأتان اذا وجدتا فی لحاف واحد مجردتین - جلدھما کل واحدۃ منھما مائة جلدۃ (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج. ۲۸، ص. ۸۹).

خاطی به شیوه مدرن امروزی سهل الوصول تر باشد. کما اینکه از قاعده «التعزیر بما یراه الامام» این استنباط حاصل می‌شود که شارع اجازه داده است که حاکم شرع طبق مقتضیات جامعه خود به مجازات تعزیری حکم دهد و به عبارتی تناسب در مجازات باید رعایت شود؛ زیرا مجازات شدید در برابر جرم خفیف نه تنها جنبه بازدارندگی ندارد، بلکه به مراتب موجبات تنفیر از دین و غوطه‌ور شدن در هویت مجرمانه را در فرد به وجود می‌آورد. در کشف اللثام آمده است:

وجوب تعزیر در مورد انجام هر عمل حرام یا ترک هر عمل واجبی است که مجرم با وجود نهی و توبیخ متنبه نگردد، اما اگر اقداماتی غیر از زدن در بزهدکار مؤثر باشد، مگر در موارد خاص که به وسیله شارع مقدس بدان تصریح شده، دلیلی بر مجازات بدنی وجود ندارد. (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج. ۱۰، ص. ۵۴۴)

در این رابطه باید افزود که رأی وحدت رویه ۷۷۰ مورخ ۹۷/۴/۲۶ به طرز عجیبی تمام مصادیق ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت را غیرمنصوص قلمداد می‌کند! لذا اعمال نهادهای مذکور در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا.مانند کسر ایام بازداشت موقت قبلی از محکومیت (ماده ۲۷ ق.م.ا.) در مورد جرم مضاجعه نیز امکان‌پذیر است. به عقیده نگارنده، عمل مضاجعه، به دلیل روایات متعدد، در زمره جرایم منصوص شرعی قرار می‌گیرد و محاکم قضایی به سبب اینکه در تفکیک دو جرم رابطه نامشروع و عمل منافی عفت عاجز مانده‌اند، به جهت پاک کردن صورت مسئله، اساساً ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت را غیرمنصوص دانسته‌اند.

مصادیق اعمال منافی عفت

جرائم منافی عفت را باید به دو نوع مهم تقسیم نمود:

۱. جرائم منافی عفت مستلزم حد
۲. جرائم منافی عفت مستلزم تعزیر و مجازات‌های بازدارنده.

جرایم منافی عفت حدی

زنا

زنا در لغت به معنای عمل جنسی با زن نامحرم آمده است (طریحی، ۱۳۶۲، ج. ۱، ص. ۲۰۶). زنا عبارت است از اینکه مردی آلت تناسلی‌اش را در فرج زنی اعم از جلو یا عقب که ذاتاً بر او حرام می‌باشد، داخل نماید، مشروط بر اینکه در میان آن‌ها عقد نکاح، ملکیت و شبهه نباشد (نجفی، ۱۳۶۸، ج. ۴۱، ص. ۲۵۸). مشهور فقهای متقدم فرج را اعم از قُبُل و دُبُر می‌دانند (شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص. ۷۷۶؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج. ۲، ص. ۵۲۵). در این میان برخی از فقهای اهل سنت در توجیه نظریه شمولیت زنا به دبر و قُبُل قائل بر این هستند که نزدیکی در دبر، چون مورد قصد عرفی واقع می‌گردد، مستوجب مجازات حدی خواهد بود. به عبارت بهتر، اگر دخول در قُبُل که فی‌نفسه مباح است، مستوجب حد می‌شود، دخول در دبر به طریق اولی مستوجب حد خواهد بود، چراکه فی‌نفسه دخول در آن مباح شمرده نشده است (ابن قدامه، بی‌تا، ج. ۴، ص. ۸۵). اما برخی

از فقهای معاصر شیعه، زنا مستوجب حد را صرفاً نزدیکی در قبل دانسته‌اند. (منتظری، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۹) که به نظر می‌رسد با توجه به معنای عرفی زنا همین نظریه صحیح باشد (شاه ملک‌پور، ۱۳۹۴، ص. ۱۸).

لواط

در متون فقهی، آمیزش جنسی مقعدی میان مردان را لواط گویند. در منابع فقهی، این واژه به عمل قوم لوط اطلاق شده است. صاحب جواهر رحمه الله می‌فرماید: «واشتقاقه من فعل قوم لوط» این کلمه از فعل قوم لوط مشتق شده است، و منشأ آن عمل آن قوم است. (نجفی، ۱۳۶۸، ج. ۴۱، ص. ۳۷۴) آیت‌الله فاضل لنکرانی در توضیح کلام صاحب جواهر، می‌فرماید: اگر منظور صاحب جواهر این باشد که لواط به معنای اصطلاحی مشتق از عمل قوم لوط است و ربطی به لغت ندارد و سابقه وضعی و لغوی برای آن نیست، کلام صاحب جواهر متین است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج. ۲، ص. ۷۶).

تفخیز

این عنوان مجرمانه، واژه‌ای عربی است که از «فخذ» به معنای ران (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۳، ص. ۵۰۱) و هم‌زانو شدن (سیاح، ۱۳۸۷، ص. ۱۲) گرفته شده است. تفخیز در اصطلاح فقهی رابطه جنسی بین دو مرد است، بدون اینکه دخولی واقع شده باشد. (شهید ثانی، بی‌تا، ج. ۹، ص. ۱۵۰) آنچه مشهور فقها بدان ملتزم هستند اجرای صد تازیانه بر طرفین جرم به عنوان حد می‌باشد. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج. ۲، ص. ۱۳۸) برخی از فقها معتقدند، اگر تفخیز بین زن و مرد ارتکاب یابد جرمی تعزیری و اگر بین دو مرد اتفاق بیفتد جرمی حدی خواهد بود. (نجفی، ۱۳۶۸، ج. ۴۱، ص. ۳۸۲؛ شهید ثانی، بی‌تا، ج. ۹، ص. ۱۶؛ گلپایگانی، ۱۴۰۹، ج. ۳، ص. ۲۰۵؛ استفتانات مکارم شیرازی، بی‌تا) بعضی از فقهای معاصر، هم‌بستر شدن زن و مرد، زیر یک لحاف را ذیل عنوان تفخیز آورده‌اند و قائل به مجازات تعزیری ۹۹ ضربه تازیانه می‌باشند. (موسوی خویی، ۱۴۲۸، ج. ۱، ص. ۲۹۵) نگارنده، معتقد است، منشأ این اختلاف به خاطر این است که برخی از فقها، هم‌بستر شدن مرد و زن و دو مرد را نیز تحت عنوان تفخیز آورده‌اند و از آنجا که برخی از فقها قائل به ۱۰۰ ضربه و برخی دیگر قائل به کمتر از ۱۰۰ ضربه می‌باشند، منجر به این شده است که برخی از فقها تفخیز را جرمی تعزیری بیندارند. اما باید خاطر نشان کرد که هم‌بستر شدن زیر یک لحاف چه زن و مرد و چه دو مرد از جرم تفخیز که در زمره جرایم حدی است، متفاوت می‌باشد. به همین خاطر است که آیت‌الله فاضل لنکرانی روایتی را که در رابطه با هم‌بستر شدن دو برهنه زیر یک لحاف نقل شده است را به تفخیز و لواط غیر ایقابی تسری نمی‌دهند. (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۰، ج. ۲، ص. ۱۴۰)

مساحقه

در متون فقهی هم‌جنس‌بازی دو جنس مؤنث «مساحقه» نامیده می‌شود. مساحقه برگرفته از ریشه «سَحَقَ» و در لغت به معنای کوبیدن، خرد کردن و هلاک کردن آمده است. (صاحب بن عباد، بی‌تا، ج. ۱، ص. ۱۶۲) همچنین گفته می‌شود: «مُسْك سَحِيقٌ» مشک کوبیده شده (زمخشری، ۱۴۱۹، ج. ۱، ص. ۴۴۲) به لباس فرسوده نیز سَحَق گفته می‌شود. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج. ۳، ص. ۳۷) وجه تسمیه آن به تعبیر زمخشری

در کتاب «الفاقی فی غریب الحدیث» آن است که به مرور زمان کوبیده و نازک و فرسوده می‌شود. «و سمی بذلك لأنه الذی سحقه مر الزمان سحقاً حتی رق و بلی» (زمخشری، ۱۴۱۷، ج. ۲، ص. ۱۶۰) در اصطلاح هم جنس‌بازی زنان از طریق مالیدن آلت تناسلی یکدیگر مساحقه نام دارد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳، ج. ۵، ص. ۱۲۶۳۸؛ کاسانی، ۱۴۰۹، ج. ۳، ص. ۱۸۹)

جرایم منافی عفت تعزیری

به‌طور کلی جرایم منافی عفت تعزیری دو نوع‌اند:

۱. جرایم منافی عفتی که مستقیماً به عمل جنسی ختم می‌شوند. مثل تقبیل و مضاجعه که احکام آن در مواد ۶۳۷ ق.م.ا.ت و ۲۳۷ ق.م.ا. بیان شده است.
۲. نوع دوم جرایم منافی عفتی است که غایت اصلی آن ارتباط جنسی نیست، اما ممکن است زمینه‌ساز ایجاد رابطه جنسی شود و از این حیث که عفت عمومی را لکه‌دار نموده‌اند، مسامحتاً جرایم منافی عفت و اخلاق حسنه نامیده می‌شوند؛ نظیر مصادیق ماده ۶۴۰ ق.م.ا.ت.

قانون تعزیرات و مجازات بازدارنده

برخی از مصادیق عمل منافی عفت تعزیری را می‌توان تقبیل و مضاجعه (ماده ۶۳۷)، تظاهر به عمل حرام (ماده ۶۳۸)، تظاهر به عملی که نفس آن دارای کیفر نیست، اما عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند (ماده ۶۳۸)، دایرکردن یا اداره مرکز فساد و فحشا (ماده ۶۳۹) و به نمایش گذاشتن نوشته یا طرحی که عفت و اخلاق عمومی را لکه‌دار می‌کند (ماده ۶۴۰)، برشمرد.

از بین مواد قانونی فوق، مصادیق ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت مستقیماً به رابطه جنسی منتهی می‌شود و سایر مصادیق را از باب مسامحه و به جهت اینکه در محوریت مسائل جنسی می‌باشند، می‌توان عمل منافی عفت قلمداد نمود.

هم‌جنس‌گرایی غیرحدی

قانون‌گذار در ماده ۲۳۷ ق.م.ا. در مورد این انحراف جنسی خاطرنشان می‌کند که «هم‌جنس‌گرایی انسان مذکر در غیر از لواط و تفخیز، از قبیل: تقبیل و ملامسه از روی شهوت موجب سی‌ویک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش است.» همچنین، در تبصره یک این ماده بیان شده است که: «حکم این ماده در مورد انسان مؤنث نیز جاری است» و تبصره دو ماده فوق، حکم این ماده را مضمول جرایم حدی ندانسته است. افزون بر این، مصادیق ذکرشده در این ماده، از باب تمثیل بوده و شامل تمام ارتباط‌های جسمی که از روی شهوت بین دو هم‌جنس باشد، می‌شود.

مصادیق رابطه نامشروع

همان‌طور که قبلاً بیان شد، مراد از رابطه نامشروع در این پژوهش رابطه نامشروع در معنای خاص است که مستلزم رابطه طرفینی زن و مرد نامحرم بدون علقه زوجیت می‌باشد. بنابراین معنای عام رابطه نامشروع؛ مانند

جاسوسی، اکل مال به باطل، ربا، قمار و غیره در این گفتمان منتفی است. افزون بر این، رابطه نامشروع برخلاف عمل منافی عفت مستلزم رابطه فیزیکی نیست. مجموعاً، رابطه نامشروع، همانند عمل منافی عفت به دو نوع تقسیم می‌شود: رابطه نامشروع مجازی و واقعی.

رابطه نامشروع واقعی

منظور از رابطه نامشروع واقعی، رابطه‌ای است که نه در دنیای مجازی بلکه در دنیای واقعی محقق می‌گردد که در ذیل به آن اشاره می‌شود.

مفاهیم

مفاهیم، به معنای ارتباط نامشروع «رابطه نامشروع لفظی» است که از دیدگاه فقهی (با هم شوخی و مزاح کردن) نامیده می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج. ۱۳، ص. ۵۲۴؛ معین، ۱۳۸۸، ج. ۴، ص. ۴۲۶۴) ارتکاب این رفتار بر پایه سخن و ارتباط کلامی استوار است و صرفاً از طریق گفتار صورت می‌گیرد. توصیه اسلام این است که اگر زن و مردی ناچار به معاشرت شدند، زمینه را برای ایجاد وسوسه و تحریک در همدیگر فراهم نکنند. به همین دلیل، در قرآن، سفارش شده است که زن در برابر مرد صدایش را نازک نکند یا از طریق سخن دلربایی نکند و به مرد دستور داده شده است که از طریق خوش‌مشربی‌ها نکوشد تا دل زن را به سوی خود جلب کند (احزاب: ۳۲).^۱ حر عاملی در کتاب وسائل الشیعه بیان می‌دارد که: «هرکس با زن نامحرم شوخی نماید، در مقابل هر کلمه‌ای که در دنیا به او گفته است، هزار سال حبس می‌شود» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج. ۲۰، ص. ۱۹۸).

مکالمه

مکالمه در فرهنگ معین به معنای سخن گفتن با یکدیگر آمده است (معین، ۱۳۸۸، ج. ۴، ص. ۴۳۱۱). در روایتی از امام علی نقل شده است: «بر هر انسانی لازم است از سه چیز دوری کند: نزدیک شدن به اشرار، هم‌سخن شدن با زنان، همنشینی با اهل بدعت.» (حرانی، ۱۴۰۴، ص. ۳۱۹) ارتباط کلامی از بارزترین شیوه‌های ارتباط نامشروع می‌باشد، اما باید این نکته را در نظر داشت که هر نوع مکالمه‌ای در شرع منع نشده است. امام خمینی (ره) مکالمه‌ای را که از جانب یک طرف ضروری بوده و از جانب یک طرف غیرضروری، مشروط به اینکه، هیچ‌گونه تهییجی را میان زن و مرد به دنبال نداشته باشد جایز می‌شمارد (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ج. ۲، ص. ۲۴۵).

مکاتبه

مکاتبه در لغت همان نامه‌نگاری و نامه‌نوشتن به یکدیگر آمده است (معین، ۱۳۸۸، ج. ۴، ص. ۴۳۰۸). برخی مراجع تقلید، نامه‌نگاری با نامحرم را در صورتی که موجب انحراف و وقوع در حرام یا اینکه توأم با شهوت و به قصد التذاذ جنسی باشد، حرام دانسته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۹۱، ص. ۴۵۷). اداره حقوقی قوه قضاییه در

۱. یا نساء التّی لسنن کأخذ من النّساء ان اتقیئن فلا تحصن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولاً معروفاً. ترجمه: ای زنان پیامبر، اگر خود را از خشم خدا حفظ نمایید، مانند هیچ‌یک از زنان دیگر نخواهید بود. بنابراین، هنگام صحبت با نامحرم با ناز و عشوّه سخن مگویید که مردانی که در دل‌هایشان بیماری است به شما طمع می‌کنند و شایسته سخن بگویند.

پاسخ به این پرسش که آیا فرستادن نامه‌های عاشقانه بین دختر و پسر جرم است، این‌گونه بیان می‌دارد: «مکاتبه‌ای که مبنی بر ابراز علاقه و به قصد ازدواج باشد، جرم تلقی نمی‌گردد» (نظریه شماره ۲/۷-۹۷۹۹/۳/۱۳۶۳).

اختلاط

مسئله اختلاط بین مردان و زنان از جمله مسائل مورد بحث در جامعه کنونی است که با رشد روزافزون حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، بر اهمیت آن افزوده شده است. اختلاط در لغت یعنی آمیخته شدن و درهم شدن و در اصطلاح به معنای ارتباط زن و مرد بیگانه در سطح اجتماع است. (معین، ۱۳۸۸، ج. ۱، ص. ۱۶۸؛ طریحی، ۱۳۶۲، ج. ۴، ص. ۲۴۶)

نگاه ویژه اسلام به جایگاه زن و احترام به شخصیت وی، به قدری است که پیامبر (ص) از داخل شدن بدون اجازه مردان بر جمع زنانه، نهی فرموده‌اند: «نهی رسول الله صلی الله علیه و آله أن یدخل الرجال علی النساء الا باذنهن» (کلینی، ۱۴۰۷، ج. ۵، ص. ۵۲۸) اسلام برای هر نوع حضور اجتماعی زن و اختلاط و معاشرت او با مردان، احکام و دستورات اخلاقی را توصیه کرده است. درباره حضور اجتماعی زن این قید بیان شده است: «باید از هر آنچه منجر به فتنه و فساد می‌شود، اجتناب کرد.» (فلاح و بنایی، ۱۳۹۴، ص. ۷۳) بنابراین، فهم این نکته حائز اهمیت است که اختلاطی را می‌توان رابطه نامشروع قلمداد نمود که زمینه‌ساز تحریک جنسی و ایجاد مفسده باشد؛ همانند، اینکه جمعی از مردان و زنان در یک پارتی شبانه، همراه با تهییج و به‌صورت عریان و نیمه‌عریان شرکت نمایند. لذا، نمی‌توان سایر اختلاط‌ها که غالباً لازمه زندگی امروزی است و هیچ‌گونه تحریکات جنسی را به دنبال ندارد از مصادیق رابطه نامشروع برشمرد. (فلاح و بنایی، ۱۳۹۴، ص. ۶۸) در این زمینه یکی از مراجع بزرگ تقلید بیان می‌دارند که در صورتی که اختلاط زن و مرد منجر به فساد و از بین رفتن عفاف و پاکدامنی گردد جایز نیست. (موسوی خویی، ۱۳۹۱، ص. ۴۵۴) مرحوم آیت الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی در مسئله ۴۹ عروة الوثقی می‌فرمایند: «یکره اختلاط الرجال بالنساء آلا للعجائز» (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج. ۲، ص. ۸۰۵). مختلط شدن مردان و زنان کراهت دارد، مگر در مورد پیرزنان.

خلوت کردن

در فرهنگ معین به معنای عزلت‌گزیدن و تنها نشستن آمده است (معین، ۱۳۸۸، ج. ۱، ص. ۱۴۳۷). خلوت کردن زن و مرد نامحرم، به‌خصوص در جایی که کسی حضور ندارد، گزینه جنسی آن‌ها را تحریک نموده و اثربخشی عوامل تحریکی دیگر را افزایش می‌دهد (نقی فقیهی، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۷). روایت شده که شیطان گفته است: «در سه جا از بنده غایب نیستم؛ اول زمانی که می‌خواهد صدقه بدهد، دوم زمانی که با زنی خلوت کند و سوم هنگام مرگ.» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج. ۱۴، ص. ۲۶۵) در وصیت ابلیس به حضرت موسی (علیه السلام) آمده است که: «ای موسی با زن بیگانه خلوت مکن؛ زیرا هر که چنین کند، نه من خود یار او شوم، نه یاران من» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج. ۱، ص. ۱۵۷). در کتاب حدیثی وسائل الشیعه، بابی تحت عنوان «عدم جواز خلوة الرجل بالمرأة الأجنبية واحتباء المرأة» وجود دارد که روایاتی را به منع خلوت کردن زن و مرد اختصاص داده است (حرعاملی، ۱۴۱۴، ج. ۲۰، ص. ۱۸۵).

رابطه نامشروع در فضای مجازی

با توجه به پیشرفت تکنولوژی و ارتباطات گسترده از راه دور، بسیاری از روابط نامشروع از طریق فضای مجازی شکل می‌گیرد و اگر گفته شود زمینه‌ساز بسیاری از روابط نامشروع فضای مجازی است، بی‌راه نگفته‌ایم. سکس مجازی، موضوع جدیدی است که افراد می‌توانند همدیگر را در فضای اینترنت ببینند و بدون تماس جسمانی، رابطه عاشقانه و سکسی را تجربه کنند. بی‌شک شکل‌گیری چنین شرایطی در فضای مجازی اینترنت می‌تواند نقطه آغازی برای انقلاب دیگری در عرصه اخلاق جنسی باشد. اگرچه در فصل چهارم قانون جرایم رایانه‌ای از عبارت جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی استفاده شده است، که شامل هر عملی که عفت عمومی را لکه‌دار کند می‌شود، اما به عقیده پژوهشگر با توجه به تعاریف ارائه شده برای رابطه نامشروع در این پژوهش، فرضی را که طرفین اقدام به فرستادن عکس‌های مستهجن و مبتذل برای یکدیگر می‌نمایند باید رابطه نامشروع قلمداد نمود، نه عمل منافی عفت. به عبارت بهتر از آنجا که اعمال صورت‌گرفته در فضای مجازی می‌تواند در سطح گسترده و به شکل سازمان‌یافته صورت گیرد، قانون‌گذار از عبارت «عفت و اخلاق عمومی» استفاده کرده است.

هرکس، به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده، محتویات مستهجن را تولید، ارسال، منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد ارسال یا انتشار یا تجارت تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از نود و یک روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج تا چهل میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد. طبق ماده ۱۴ جرایم رایانه‌ای و با توجه به عبارت محتویات مستهجن و محتویات مبتذل، مصادیق رابطه نامشروع مجازی را می‌توان چت و گفت‌وگوی اینترنتی به صورت متن یا صوت و به قصد التذاذ جنسی (سکس چت) و فرستادن عکس و فیلم مبتذل و مستهجن که به تعبیر کشورهای غربی حق اظهار جنسی در فضای مجازی نامیده می‌شود، برشمرد.

نتیجه‌گیری

رابطه نامشروع و عمل منافی عفت دو عنوان مجرمانه مستقل می‌باشند که رابطه بین این دو عنوان مجرمانه عموم و خصوص من‌وجه می‌باشد. برای جرم‌انگاری رابطه نامشروع باید قصد التذاذ جنسی توسط محکمه اثبات گردد؛ اما در رابطه با عمل منافی عفت باید قائل به تفکیک شد. در عمل مضاجعه، مشروط بر عریان بودن طرفین، قصد التذاذ جنسی در خود عمل نهفته است؛ بنابراین نفس این عمل بدون هیچ عذر و بهانه‌ای بیانگر این است که طرفین قصد التذاذ جنسی را دارا بوده‌اند. در رابطه با سایر مصادیق عمل منافی عفت از جمله تقبیل و معانقه، نگارنده معتقد است در برخی از موارد ممکن است به آسانی قصد التذاذ جنسی احراز نشود، چراکه در عرف بعضی از مناطق ایران، تقبیل و معانقه امری عادی به شمار می‌رود و این‌گونه نیست که این افراد لزوماً به قصد لذت بردن مبادرت به این اعمال می‌ورزند؛ بنابراین قضات باید قصد التذاذ جنسی را در این موارد نیز مورد توجه قرار دهند. این تفکیک کاملاً با روایات وارده در این باب هم‌خوانی دارد؛ زیرا در روایات وارده صرفاً مضاجعه و آن هم به صورت عریان مورد حکم قرار گرفته است که خود دلالت بر این دارد که تعزیر

منصوص شرعی و مجازات بدنی مورد حکم فقط در این مورد خاص قابلیت اجرایی دارد نه در تمام مصادیق. در فرض اثبات رابطه نامشروع، با توجه به اینکه این جرم خفیف‌تر از عمل منافی عفت می‌باشد باید تاجایی که ممکن است از مجازات جایگزین و ارفاقی از قبیل کانون اصلاح و تربیت و مطالعه آثار فقهی و حقوقی که در رابطه با عمل منافی عفت و رابطه نامشروع نگارش شده است استفاده نمود؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، در روایات صرفاً از مضاجعه و آن هم به صورت برهنه و عریان سخن به میان آمده است و تفسیر مضیق به نفع متهم اقتضا دارد که صرفاً همین مصداق را تعزیر منصوص شرعی بدانیم و از نهادهای ارفاقی ممنوع نماییم. هرچند رأی وحدت رویه ۷۷۰ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶ تمام مصادیق ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت را تعزیر غیرمنصوص قلمداد نموده است و مرتکب موضوع این ماده را مشمول نهادهای ارفاقی تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا.د دانسته است! صدور این رأی وحدت رویه دلالت بر این موضوع دارد که کماکان محاکم قضایی در تشخیص و تبیین این دو عنوان دچار مشکل هستند. در اینکه آیا قید عفت و اکراه صرفاً به عمل منافی عفت بر می‌گردد یا به هر دو عنوان ابهام دیگری است که در ماده ۶۳۷ به چشم می‌خورد. اگرچه رابطه نامشروع اکراهی غیرممکن نیست و می‌توان حالاتی را بیان نمود که یکی از طرفین رابطه فاقد طیب نفس است، اما از آنجاکه اکراه باید غیرقابل تحمل باشد، و مصادیق رابطه نامشروع هم به‌گونه‌ای نیست که بتواند قصد را معیوب سازد، به نظر می‌رسد که عبارت عفت و اکراه در آخر ماده ۶۳۷ صرفاً در رابطه با عمل منافی عفت قابلیت اجرایی دارد.

پیشنهادات

با توجه به مطالبی که در این مقاله مطرح شد، پیشنهادات زیر قابل ارائه می‌باشد:

۱. از آنجاکه طبق رأی وحدت رویه ۷۷۰ مورخ ۱۳۹۷/۴/۲۶ ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت از تعزیر منصوص شرعی خارج شد و به‌تبع آن از نهادهای ارفاقی مذکور در تبصره ۲ ماده ۱۱۵ برخوردار گردید، لازم است این موضوع صراحتاً در قانون مجازات بیان شود و مجازات آن نیز تعدیل گردد.
۲. از آنجاکه مجازات شلاق برای تمام مصادیق ماده ۶۳۷ ق.م.ا.ت ناعادلانه به نظر می‌رسد، بهتر است، ضمن تصویب دو ماده جداگانه برای عمل منافی عفت و رابطه نامشروع، به‌جز مواردی که نص خاص موجود است، در نوع و میزان مجازات آن نیز تجدید نظر شود.
۳. تدوین برنامه و دروس آموزشی مرتبط با مسائل جنسی و آسیب‌های آن در تمام مقاطع تحصیلی و آموزش عالی. بسیاری از نوجوانانی که در سنین پایین مرتکب این اعمال شنیع می‌شوند هیچ‌آشنایی با این‌گونه جرایم ندارند، بنابراین لازم است علی‌الخصوص در مدارس با توجه به سنین حساس ۱۵ الی ۱۹ سال آموزش‌های لازم داده شود.
۴. ارائه خدمات مشاوره‌ای مستمر، به خانواده دانش‌آموزان آسیب‌پذیر و تأسیس نهاد تخصصی مشاوره جرائم منافی عفت و روابط نامشروع در دادگاه و دانشگاه‌ها در قالب کارگاه‌های آموزشی.
۵. برگزاری کارگاه‌های آموزشی ازدواج آسان برای نوجوانان و خانواده ایشان در مدارس و دانشگاه‌ها.

۶. برگزاری کلاس‌های آموزشی آیین دادرسی کیفری برای ضابطین دادگستری و ارائه روش و اسلوب صحیح در مواجهه با متهمان رابطه نامشروع و منافی عفت. بسیاری از ضابطین دادگستری، به دلیل ناآگاهی از اصول و قوانین آیین دادرسی علی‌الخصوص مواد ۴۳، ۴۴ و ۵۵ آیین دادرسی کیفری، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به متهمین جرایم جنسی وارد نموده‌اند، زیرا همان‌طور که در قانون آیین دادرسی کیفری آمده است، هیچ ضابط دادگستری حق ورود به منازل اشخاص و تفتیش آن‌ها را ندارد و در مورد بازرسی اشخاص در جرائم غیر مشهود، بدون اجازه موردی حق تحقیق و تفحص خودسرانه را ندارند. به نظر پژوهشگر، ضابطین دادگستری و نهادهای امر به معروف و گشت ارشاد در جرایم غیر مشهود تا زمانی که حکم موردی از ناحیه محکمه قضایی دریافت نکرده‌اند، حق اخذ شناسنامه، کارت ملی و سایر پرسش‌ها در این زمینه را ندارند.

منابع

قرآن کریم

- ابن براج، عبدالعزیز. (۱۴۰۶). المهذب. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن زهره، حمزة بن علی حسینی. (۱۴۱۷). غنیة النزوع الی علمی الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- ابن قدامه، ابومحمد عبدالله. (بی تا). الکافی فی فقه الامام احمد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- انصاری، مرتضی بن محمدامین. (۱۴۱۱). المکاسب. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- انوری، حسن. (۱۳۸۸). فرهنگ فشرده سخن. تهران: سخن.
- بیگی، جمال؛ پورقهرمانی، بابک و لیلان دوست، یوسف. (۱۳۹۲). بررسی سیاست جنایی پیشگیرانه ناظر بر جرائم منافی عفت در ایران. مطالعات پیشگیری از جرم، ۸(۲۸)، ۹-۳۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۳). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
- حرعاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: مؤسسه آل البیت (ع).
- حلی، یحیی بن سعید. (۱۴۰۵). الجامع للشرائح. قم: انتشارات سیدالشهداء.
- خالقی، علی. (۱۴۰۰). آیین دادرسی کیفری. تهران: شهر دانش.
- زراعت، عباس. (۱۳۸۸). شرح قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات). تهران: ققنوس.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۷). الفائق فی غریب الحدیث. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۹). اساس البلاغه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سیاح، احمد. (۱۳۸۷). فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المتجدد). تهران: اسلام.
- شامیاتی، هوشنگ. (۱۳۸۵). حقوق کیفری اختصاصی. تهران: ژوبین.
- شاهملک پور، حسن. (۱۳۹۴). فقه جزای اهل سنت. تهران: میزان.
- صاحب بن عباد، اسماعیل. (بی تا). المحيط فی اللغة. بیروت: بی تا.
- صدری افشار، غلامحسین. (۱۳۸۲). فرهنگ گزیده فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (بی تا). تفسیر میزان. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم. (۱۴۰۹). العروة الوثقی. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طریحی، فخرالدین. (۱۳۶۲). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). المبسوط. تهران: المكتبة المرتضویه.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (بی تا). الروضة البهیة شرح اللمعة الدمشقیة. قم: مؤسسه معارف اسلامیه.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳). مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. قم: مؤسسه معارف اسلامیه.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۹۰). آیین کیفری اسلام. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۸۱). اصول فقه شیعه. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶). کشف اللثام عن قواعد الأحكام. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰). کتاب العین. بیروت: دار و مكتبة الهلال.

- فقیهی، علی‌نقی. (۱۳۸۷). تربیت جنسی: مبانی، اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث. قم: دار الحدیث.
- فلاح، مصطفی و بنایی، سیدباقر. (۱۳۹۴). اختلاط زن و مرد نامحرم از دیدگاه مذاهب خمس و قانون مجازات اسلامی. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۲۴(۸)، ۶۵-۹۰.
- قدسی، سید ابراهیم و پوزرین، علی. (۱۳۸۴). تقد و بررسی ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی. مطالعات اسلامی، ۶۷(۱)، ۱۵۱-۱۸۲.
- قیاسی، جلال‌الدین و سقفی، پریسا. (۱۴۰۰). نحوه عملکرد رویه قضایی در رویارویی با محتوای مجرمانه: با نگاهی به اصطلاح رابطه نامشروع مجازی. مدرس حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲(۱)، ۱۳۱-۱۴۸.
- کسانی، ابوبکر بن مسعود. (۱۴۰۹). بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- گلیایگانی، سید محمد رضا. (۱۴۰۹). مجمع المسائل. قم: دار القرآن الکریم.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۹). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. تهران: میزان.
- لطفی، اسدالله. (۱۳۸۷). ترجمه مباحث حقوقی شرح لمعه. تهران: مجد.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار لدرر الاخبار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری، حسین بن محمدتقی. (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل‌البتیت (ع).
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۲). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم انسانی.
- محمدی، علی. (۱۳۸۷). شرح اصول فقه. قم: دارالفکر.
- مظفر، محمد رضا. (۱۳۷۰). اصول فقه. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- معین، محمد. (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی معین. تهران: امیرکبیر.
- مفید، محمد بن نعمان. (۱۴۱۰). المقتعه. قم: جامعه مدرسین.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳). الامالی. قم: کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر. (بی‌تا). جامع المسائل. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منتظری، حسین‌علی. (بی‌تا). کتاب الحدود. قم: دارالفکر.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۹۰). تحریر الوسیله. قم: دارالعلم.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۷). مصباح الفقاهة (تقریر محمدعلی توحیدی). قم: انتشارات داوری.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۱). احکام شرعی بانوان. قم: دارالصدیقه الشهیده (س).
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۸). مبانی تکملة منهاج. قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
- نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۸). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ولیدی، محمد صالح. (۱۳۹۴). حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی). تهران: امیرکبیر.

Reference

The Holy Qur'an.

Ibn Barrāj, 'Abd al-'Azīz. (1406 AH [1985/1986 CE]). *al-Muhadhdhab* [The refined work]. Qom: Daftar-i Intishārāt-i Islāmī.

Ibn Zuhra, Ḥamza b. 'Alī Ḥusaynī. (1417 AH [1996/1997 CE]). *Ghunyat al-nuzū' ilā 'ilmay al-uṣūl wa-l-furū'* [The sufficiency of aspiration toward the two sciences of legal theory and substantive law]. Qom: Mu'assasat Imām Ṣādiq.

- Ibn Qudāma, Abū Muḥammad ‘Abd Allāh. (n.d.). *al-Kāfi fī fiqh al-Imām Aḥmad* [The sufficient book in the jurisprudence of Imām Aḥmad]. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mukarram. (1414 AH [1993/1994 CE]). *Lisān al-‘Arab* [The tongue of the Arabs]. Beirut: Dār Ṣādir.
- Anṣārī, Murtaḍā b. Muḥammad Amīn. (1411 AH [1990/1991 CE]). *al-Makāsib* [Transactions]. Qom: World Congress Commemorating Shaykh al-A‘zam Anṣārī.
- Anwarī, Ḥasan. (1388 SH [2009/2010 CE]). *Farhang-i fishurda-yi Sukhan* [Concise Sukhan dictionary]. Tehran: Sukhan.
- Beygī, Jamāl, Pūrqaḥramānī, Bābak, & Leylāndūst, Yūsuf. (1392 SH [2013/2014 CE]). An examination of preventive criminal policy concerning offenses against chastity in Iran. *Muṭāla‘āt-i Pīshgīrī az Jurm* [Crime Prevention Studies], 8(28), 9–30.
- Ja‘farī Langarūdī, Muḥammad Ja‘far. (1393 SH [2014/2015 CE]). *Mabsūṭ dar terminuluzhī-yi ḥuqūq* [An extensive work on legal terminology]. Tehran: Ganj-i Dānish.
- Ḥarrānī, Ḥasan b. ‘Alī. (1404 AH [1983/1984 CE]). *Tuḥaf al-‘uqūl* [Gifts for intellectuals]. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Ḥurr al-‘Āmilī, Muḥammad b. al-Ḥasan. (1414 AH [1993/1994 CE]). *Wasā’il al-shī‘a ilā taḥṣīl masā’il al-sharī‘a* [The means of the Shi‘a for attaining the issues of the sharī‘a]. Beirut: Mu‘assasat Āl al-Bayt.
- Ḥillī, Yaḥyā b. Sa‘īd. (1405 AH [1984/1985 CE]). *al-Jāmi‘ li-l-sharā‘i* [The compendium of the laws]. Qom: Intishārāt-i Sayyid al-Shuhadā’.
- Khālīqī, ‘Alī. (1400 SH [2021/2022 CE]). *Ā’in-i dādrasī-yi kifārī* [Criminal procedure]. Tehran: Shahr-i Dānish.
- Zirā‘at, ‘Abbās. (1388 SH [2009/2010 CE]). *Sharḥ-i Qānūn-i mujāzāt-i Islāmī: Bakhsh-i ta‘zīrāt* [Commentary on the Islamic Penal Code: Discretionary punishments]. Tehran: Qaqnūs.
- Zamakhsharī, Maḥmūd b. ‘Umar. (1417 AH [1996/1997 CE]). *al-Fā‘iq fī gharīb al-ḥadīth* [The outstanding work on unusual terms in ḥadīth]. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Zamakhsharī, Maḥmūd b. ‘Umar. (1419 AH [1998/1999 CE]). *Asās al-balāgha* [The foundation of eloquence]. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya.
- Sayyāh, Aḥmad. (1387 SH [2008/2009 CE]). *Farhang-i buzurg-i jāmi‘-i novīn: Tarjuma-yi al-Munjid* [The great comprehensive modern dictionary: Translation of *al-Munjid*]. Tehran: Islām.
- Shāmbayātī, Hūshang. (1385 SH [2006/2007 CE]). *Ḥuqūq-i kifārī-yi ikhtiṣāsī* [Special criminal law]. Tehran: Zhūbīn.
- Shāh-Malikpūr, Ḥasan. (1394 SH [2015/2016 CE]). *Fiqh-i jazā‘ī-yi Ahl-i Sunnat* [Sunni criminal jurisprudence]. Tehran: Mīzān.
- Şāhib b. ‘Abbād, Ismā‘īl. (n.d.). *al-Muḥīṭ fī al-lughā* [The comprehensive dictionary of language]. Beirut: n.p.
- Şadrī Afshār, Ghulām Ḥusayn. (1382 SH [2003/2004 CE]). *Farhang-i guzīda-yi Fārsī* [Selected Persian dictionary]. Tehran: Farhang-i Mu‘āshir.
- Ṭabāṭabā‘ī, Sayyid Muḥammad Ḥusayn. (n.d.). *Tafsīr al-Mīzān* [The balance in Qur’ānic exegesis]. Beirut: Mu‘assasat al-‘Alamī li-l-Maṭbū‘āt.

- Ṭabātabā'ī Yazdī, Muḥammad Kāzīm. (1409 AH [1988/1989 CE]). *al-'Urwa al-wuthqā* [The firmest handle]. Beirut: Mu'assasat al-A'lamī li-l-Maṭbū'āt.
- Ṭurayhī, Fakhr al-Dīn. (1362 SH [1983/1984 CE]). *Majma' al-baḥrayn* [The confluence of the two seas]. Tehran: Murtaḍawī.
- Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan. (1387 SH [2008/2009 CE]). *al-Mabsūṭ* [The extensive work]. Tehran: al-Maktaba al-Murtaḍawīyya.
- al-Shahīd al-Thānī, Zayn al-Dīn b. 'Alī. (n.d.). *al-Rawḍa al-bahīyya sharḥ al-Lum'a al-Dimashqīyya* [The splendid garden: Commentary on *al-Lum'a al-Dimashqīyya*]. Qom: Mu'assasat-i Ma'ārif-i Islāmiyya.
- al-Shahīd al-Thānī, Zayn al-Dīn b. 'Alī. (1413 AH [1992/1993 CE]). *Masālik al-aḥḥām ilā tanqīḥ Sharā'i' al-Islām* [Paths of understanding toward refining *Sharā'i' al-Islām*]. Qom: Mu'assasat-i Ma'ārif-i Islāmiyya.
- Fāḍil Lankarānī, Muḥammad. (1390 SH [2011/2012 CE]). *Ā'in-i kīfarī-yi Islām* [Islamic criminal procedure]. Qom: Jurisprudential Center of the Pure Imams.
- Fāḍil Lankarānī, Muḥammad. (1381 SH [2002/2003 CE]). *Uṣūl-i fiqh-i Shi'a* [Shi'i principles of jurisprudence]. Qom: Jurisprudential Center of the Pure Imams.
- Fāḍil Hindī, Muḥammad b. Ḥasan. (1416 AH [1995/1996 CE]). *Kashf al-lithām 'an qawā'id al-aḥkām* [Removing the veil from the principles of legal rulings]. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī.
- Farāhīdī, Khalīl b. Aḥmad. (1410 AH [1989/1990 CE]). *Kitāb al-'Ayn* [The book of 'Ayn]. Beirut: Dār wa-Maktabat al-Hilāl.
- Faqīhī, 'Alī Naqī. (1387 SH [2008/2009 CE]). *Tarbiyat-i jinsī: Mabānī, uṣūl wa rawish-hā az manẓar-i Qur'ān wa ḥadīth* [Sexual education: Foundations, principles, and methods from the perspective of the Qur'ān and ḥadīth]. Qom: Dār al-Ḥadīth.
- Fallāḥ, Muṣṭafā, & Banā'ī, Sayyid Bāqir. (1394 SH [2015/2016 CE]). The mixing of non-maḥram men and women from the perspective of the five Islamic schools and the Islamic Penal Code. *Fiqh wa Mabānī-yi Ḥuqūq-i Islāmī* [Jurisprudence and Foundations of Islamic Law], 8(24), 65–90.
- Qudsī, Sayyid Ibrāhīm, & Pūr-Zarrīn, 'Alī. (1384 SH [2005/2006 CE]). A critique and examination of Article 637 of the Islamic Penal Code. *Muṭāla'āt-i Islāmī* [Islamic Studies], (67), 151–182.
- Qiyāsī, Jalāl al-Dīn, & Saqafī, Parīsā. (1400 SH [2021/2022 CE]). The functioning of judicial practice in dealing with criminal content, with a view to the term “virtual illicit relationship.” *Mudarris-i Huqūq-i Kīfarī wa Jurm-shināsī* [Modares Journal of Criminal Law and Criminology], 1(2), 131–148.
- Kāsānī, Abū Bakr b. Mas'ūd. (1409 AH [1988/1989 CE]). *Badā'i' al-ṣanā'i' fi tartīb al-sharā'i'* [The wonders of crafted legal analysis in the arrangement of the laws]. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyya.
- Kulaynī, Muḥammad b. Ya'qūb. (1407 AH [1986/1987 CE]). *al-Kāfī* [The sufficient book]. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Gulpāyigānī, Sayyid Muḥammad Riḍā. (1409 AH [1988/1989 CE]). *Majma' al-masā'il* [Compendium of legal questions]. Qom: Dār al-Qur'ān al-Karīm.
- Guldūziyān, Īraj. (1389 SH [2010/2011 CE]). *Bāyista-hā-yi huqūq-i jazā-yi 'umūmī* [Essentials of general criminal law]. Tehran: Mīzān.

- Lutfi, Asad Allāh. (1387 SH [2008/2009 CE]). *Tarjuma-yi mabāhith-i huqūqī-yi Sharḥ-i Lum 'a* [Translation of the legal discussions of *Sharḥ-i Lum 'a*]. Tehran: Majd.
- Majlisī, Muḥammad Bāqir. (1403 AH [1982/1983 CE]). *Biḥār al-anwār li-durar al-akhbār* [Oceans of lights containing the pearls of reports]. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Nūrī, Ḥusayn b. Muḥammad Taqī. (1408 AH [1987/1988 CE]). *Mustadrak al-wasā'il* [Supplement to *Wasā'il*]. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt.
- Muḥaqqiq Dāmād, Sayyid Muṣṭafā. (1382 SH [2003/2004 CE]). *Qawā'id-i fiqh* [Jurisprudential maxims]. Tehran: Markaz-i Nashr-i 'Ulūm-i Insāni.
- Muḥammadī, 'Alī. (1387 SH [2008/2009 CE]). *Sharḥ-i uṣūl-i fiqh* [Commentary on the principles of jurisprudence]. Qom: Dār al-Fikr.
- Muzaffar, Muḥammad Riḍā. (1370 SH [1991/1992 CE]). *Uṣūl-i fiqh* [Principles of jurisprudence]. Qom: Daftar-i Tabliḡhāt-i Islāmī.
- Mu'īn, Muḥammad. (1388 SH [2009/2010 CE]). *Farhang-i Fārsī-yi Mu'īn* [Mu'īn Persian dictionary]. Tehran: Amīr Kabīr.
- Mufīd, Muḥammad b. Nu'mān. (1410 AH [1989/1990 CE]). *al-Muqni'a* [The sufficient legal manual]. Qom: Society of Seminary Teachers.
- Mufīd, Muḥammad b. Muḥammad. (1413 AH [1992/1993 CE]). *al-Amālī* [The dictated lectures]. Qom: Shaykh Mufīd Congress.
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (n.d.). *Jāmi' al-masā'il* [Comprehensive collection of legal rulings]. Website of the Office of the Grand Āyat Allāh Makārim Shīrāzī.
- Makārim Shīrāzī, Nāṣir. (1374 SH [1995/1996 CE]). *Tafsīr-i namūna* [The model exegesis]. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Muntaẓirī, Ḥusayn 'Alī. (n.d.). *Kitāb al-ḥudūd* [The book of prescribed punishments]. Qom: Dār al-Fikr.
- Mūsawī Khomeinī, Sayyid Rūḥ Allāh. (1390 SH [2011/2012 CE]). *Tahrīr al-wasīla* [The liberation of the means]. Qom: Dār al-'Ilm.
- Mūsawī Khū'ī, Sayyid Abū al-Qāsim. (1377 SH [1998/1999 CE]). *Miṣbāḥ al-fiqāha* [The lamp of jurisprudence] (Muḥammad 'Alī Tawḥīdī, Reporter). Qom: Intishārāt-i Dāvārī.
- Mūsawī Khū'ī, Sayyid Abū al-Qāsim. (1391 SH [2012/2013 CE]). *Aḥkām-i shar'ī-yi bānuwān* [Religious rulings for women]. Qom: Dār al-Ṣiddīqa al-Shahīda.
- Mūsawī Khū'ī, Sayyid Abū al-Qāsim. (1428 AH [2007/2008 CE]). *Mabānī takmilat Minhāj* [Foundations of the supplement to *Minhāj*]. Qom: Institute for the Revival of Imam al-Khū'ī's Works.
- Najafī, Muḥammad Ḥasan. (1368 SH [1989/1990 CE]). *Jawāhir al-kalām* [Jewels of discourse]. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
- Walīdī, Muḥammad Ṣāliḥ. (1394 SH [2015/2016 CE]). *Huqūq-i jazā-yi ikhtiṣāṣī: Jarā'im 'alayh-i iffāt wa akhlāq-i 'umūmī* [Special criminal law: Offenses against chastity and public morality]. Tehran: Amīr Kabīr.